

8571 - گروه احباش (حبشی‌ها)

سوال

رای اسلام درباره‌ی طایفه‌ای که تحت نام «**احباش**» ظهور یافته‌اند چیست؟ موضع ما در برابر آنان چه باید باشد و اشتباهات عقیدتی آنان چیست؟

پاسخ مفصل

وحده والصلاة والسلام على من لا نبی بعده، و على آله وصحبه

به دفتر کمیسیون دایم پژوهش‌های علمی و فتوا سواتی در موضوع گروه احباش و شخص منسوب به آن، آقای عبدالله حبشی مقیم لبنان رسید. این گروه در برخی کشورهای اروپایی، امریکا و استرالیا فعالیت دارد و با چاپ کتابها و مقالاتی، افکار و عقاید خود را منتشر می‌سازد و دیگران را دعوت می‌دهد. این کمیسیون پس از اطلاع و تأمل در افکار و عقاید این گروه، برای عموم مسلمانان چنین بیان می‌دارد:

نخست: در صحیحین از ابن مسعود - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله ﷺ فرمود: **«خَيْرُ النَّاسِ قَرْنِي ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ»** بخاری (۲۶۵۲، ۳۵۶۱، ۶۴۲۹).

(بهترین مردم، کسانی هستند که در دوران من به سر می‌برند (صحابه) سپس، کسانی که پس از آنها می‌آیند (تابعین) و سپس کسانی که بعد از آنها می‌آیند).

رسول الله ﷺ می‌فرماید: **«أَوْصِيَكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ، وَالسَّمْعِ وَالطَّاعَةِ وَإِنْ تَأَمَّرَ عَلَيْكُمْ عَبْدٌ، فَإِنَّهُ مَنْ يَعِشْ مِنْكُمْ فَسَيَرَىٰ اخْتِلَافًا كَثِيرًا، فَعَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي وَسُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ الْمُهَدِّينَ مِنْ بَعْدِي، عَضُوا عَلَيْهَا بِالنَّوَاجِدِ، وَإِيَّاكُمْ وَمُحَدَّثَاتِ الْأُمُورِ، فَإِنَّ كُلَّ بَدْعَةٍ ضَالَّةٌ»** احمد (۱۲۶/۴).

(شما را به تقوای الهی و شنیدن و اطاعت کردن سفارش می‌کنم؛ حتی اگر برده‌ای بر شما حاکم شود. بدون تردید هر یک از شما پس از من زنده بماند، به زودی اختلافات زیادی را خواهد دید. پس به سنت من و سنت خلفای راشد و هدایت یافته چنگ زنید و از بدعتها و امور نوپیدا در دین بپرهیزید. زیرا هر بدعتی [در دین] گمراهی است).

برترین امتیاز و ویژگی عصر صحابه، تابعین و پیروان تابعین، حاکمیت کتاب و سنت بوده است. در تمام امور در این دوران طلایی،

گفتار الله و رسول الله ﷺ مقدم بر همه‌ی سخنان بوده و فهم نصوص کتاب و سنت مطابق با قواعد شرعی و لغت عرب انجام

می گرفته است.

مسلمانان در این دوران به تمام امور شریعت عامل بوده‌اند. به تمام کلیات و جزئیات و آحاد و عموم شریعت عمل می‌کردند. و نصوص متشابه را به نصوص محکم ارجاع می‌دادند. بنابراین بر شریعت پایداری می‌ورزیدند و بدان عامل بودند و محکم به آن چنگ زده بودند. نه چیزی از شریعت کم می‌نمودند و نه چیزی را اضافه می‌کردند. چگونه امکان دارد مسلمانان در این دوران طلایی چیزی در دین اضافه و کم کنند، در حالی که آنان پایبند به گفتار پیامبری هستند که از هر گونه خطا و اشتباه در امان است؟

دوم: پس از دوران صحابه، تابعین و تبع تابعین، کسانی آمدند که بدعت‌های بسیاری در میانشان رواج پیدا کرد و هر شخص رأی و نظر خویش را برگزید. نصوص شریعت مطابق با امیال و خواسته‌های افراد و گروه‌های تأویل و تحریف شد. شریعت را رها نمودند و راه مؤمنان را ترک گفتند. الله تعالی می‌فرماید: **﴿وَمَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصَلِّهِ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا﴾** [نساء/ ۱۱۵] (و هر کس پس از روشن شدن راه هدایت برای او، با پیامبر مخالفت کند و راهی غیر از راه مؤمنان در پیش گیرد، وی را به همان سو که رو کرده برگردانیم و او را وارد جهنم می‌کنیم که جایگاه بدی است).

پروردگار از روی فضل و کرم خویش، در هر دورانی علمای توانایی را در مقابل بدعت‌هایی که چهره‌ی دین را زشت جلوه داده‌اند برمی‌انگیزد تا زنگار از چهره‌ی زیبای دین بزدایند و سنت‌های اصیل دین را احیا کنند و این همان وعده‌ی الهی است که فرموده: **﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾** [حجر/ ۹] (ما خود قرآن را نازل کردیم و قطعاً ما خود نگهدار آنیم).

پیامبر ﷺ در حدیثی می‌فرماید: **«لَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي قَائِمَةٌ بِأَمْرِ اللَّهِ لَا يَضُرُّهُمْ مَنْ خَذَلَهُمْ أَوْ خَالَفَهُمْ حَتَّىٰ يَأْتِيَ أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ ظَاهِرُونَ عَلَى النَّاسِ»** مسلم (۱۵۶، ۱۹۲۰، ۱۹۲۳).

(همواره گروهی از امت من فرمان الله تعالی را عامل هستند، مخالفت مخالفان و یاری نکردن ایشان ضرری به آنان نمی‌رساند، این شیوه تا صدور فرمان الهی همچنان ادامه دارد و این گروه همواره پیروز هستند).

سوم: در اواخر قرن چهاردهم هجری گروهی به ریاست عبدالله الحبشی ظهور نموده‌اند که پیام ضلالت و گمراهی خویش را از حبشه به سرزمین شام و از آنجا تا لبنان گسترش داده است. وی مردم را به سوی گمراهی خود دعوت می‌دهد و بسیاری از مردم از دعوت او پیروی نموده‌اند.

عقیده‌ی این فرد، ترکیبی از اعتقادات جهمیه، معتزله، قبوریه و صوفیه است. او از عقیده‌ی باطل خود به شدت دفاع می‌کند، مناظره می‌کند و به شدت بر آن تعصب دارد. این گروه کتاب‌ها و مجلاتی نیز به چاپ رسانده‌اند.

کسی که اعتقادات این گروه را به دقت مورد بررسی قرار دهد، متوجه خواهد شد که این گروه از اهل سنت و جماعت خارج هستند.

مختصری از اعتقادات این گروه:

۱. این گروه در مسأله‌ی ایمان، پیرو مذهب مرجئه هستند، در حالی که اعتقاد مسلمانان از دوران صحابه تا امروز این بوده که: ایمان، اعتقاد قلبی و سخن زبانی و عمل بدنی است.

بنابر این همراه با تصدیق، موافقت، گردن نهادن و خضوع در برابر شرع مطهر الزامی است. در غیر این صورت ادعای ایمان، صحیح نیست. سلف امت در مورد تعریف ایمان همین عقیده را داشته‌اند، از جمله قول امام شافعی است که می‌گوید اجماع صحابه و تابعین و تبع تابعین و کسانی که ما با آنها بوده‌ایم بر این است که می‌گویند: الایمان قول و عمل و نية، لایجزی واحد من الثلاث إلا بالآخر. (ایمان، قول، عمل و نیت است، این سه مورد بدون یکدیگر ناقص هستند و کفایت نمی‌کنند).

۲. گروه حبشی‌ها معتقد به استغاثه و استعاذه از اموات هستند و معتقدند که می‌توان از مردگان و دیگران به جز ذات الله تعالی درخواست کمک نمود و به آنان پناه برد؛ در حالی که این کار طبق نص صحیح قرآن و اجماع مسلمانان، شرک اکبر است. این همان اعتقاد مشرکین صدر اسلام است.

الله تعالی می‌فرماید: **﴿وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شَفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ﴾.**

(و غیر از الله چیزهایی را می‌پرستند که نه سودشان می‌رساند و نه زیان، و می‌گویند: اینها شفیعان ما نزد الله هستند) [یونس/ ۱۸]

الله تعالی فرموده: **﴿فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ (۲) أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ إِنَّ اللَّهَ يَخْتَصِمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ﴾.** [زمر/ ۲-۳]

(پس الله را بندگی کن در حالی که دین را برای او خالص کرده‌ای، آگاه باش که عبادت و دین خالص برای الله است، و کسانی که جز الله، دوستان و یاورانی گرفته‌اند [می‌گویند]: ما آنها را عبادت نمی‌کنیم جز برای این که ما را به الله نزدیک کنند. به یقین الله درباره‌ی آنچه اختلاف می‌کنند میانشان داوری خواهد کرد. بی تردید، الله تعالی آن کسی را که دروغ پرداز کفر پیشه است هدایت نمی‌کند).

الله تعالی فرموده: **﴿قُلْ مَنْ يُنَجِّيكُمْ مِنْ ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً لَئِنْ أَنْجَانَا مِنْ هَذِهِ لَنُكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ (۶۳) قُلِ اللَّهُ يُنَجِّيكُمْ مِنْهَا وَمِنْ كُلِّ كَرْبٍ ثُمَّ أَنْتُمْ مُشْرِكُونَ﴾.**

(بگو: چه کسی شما را از ظلمات خشکی و دریا می‌رهاند، در حالی که او را [آشکارا] و نهانی به زاری می‌خوانید که اگر ما را از این [مهلکه] برهاند، بی گمان از شاکران خواهیم شد. بگو الله تعالی شما را از آن [اهوال و شدائد] و از هر غم و اندوهی می‌رهاند. سپس [با این وجود برای او] شما شریک و انباز می‌سازید) [انعام/ ۶۳-۶۴]

الله تعالی می‌فرماید: **﴿وَإِنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا﴾.** [جن/ ۱۸]

(و همانا مساجد ویژه ی الله است، پس هیچکس را با الله نخوانید).

الله تعالی فرمود: **﴿ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مَا يَمْلِكُونَ مِنْ قِطْمِيرٍ (۱۳)﴾** **إِنْ تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ وَوَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُونَ بِشِرْكِكُمْ وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ﴾** [فاطر/ ۱۳ - ۱۴]

(این است الله که پروردگار شماست. فرمان‌روایی از آن اوست، و کسانی را که غیر از او می‌خوانید، مالک پوست هسته‌ی خرمايي هم نیستند. اگر آنها را بخوانید، صدای شما را نمی‌شنوند و اگر می‌شنیدند پاسختان نمی‌دادند، و روز قیامت شرک شما را انکار می‌کنند؛ و [هیچ کس] مثل [الله] آگاه، تو را خبردار نمی‌کند).

رسول الله ﷺ فرموده: **«الدُّعَاءُ هُوَ الْعِبَادَةُ»** (دعا همان عبادت است) ابوداود (۱۴۷۹)

آیات قرآن بر این امر دلالت دارند که مشرکین صدر اسلام می‌دانستند که الله تعالی خالق و رازق و سودرسان و ضرر دهنده است؛ اما آنها معبودان باطل خود را عبادت می‌کردند تا برای آنان نزد الله تعالی شفاعت کنند؛ و آنان را به پروردگار نزدیک کنند. الله تعالی مشرکین را با وجود داشتن آن عقیده و شرکی که انجام می‌دادند تکفیر نمود و به پیامبر دستور داد با آنان بجنگد تا عبادت تنها برای الله تعالی انجام پذیرد.

الله تعالی می‌فرماید: **﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلَّهُ لِلَّهِ﴾** [انفال/ ۳۹]

(و با آنها بجنگید تا دیگر فتنه‌ای (شرکی) نباشد و دین به طور کامل از آن الله گردد).

علما در مسایل عقیدتی کتاب‌های زیادی تألیف و اسلام حقیقی را که الله تعالی به خاطر آن پیامبران و کتاب‌های آسمانی را نازل فرموده بیان نموده‌اند. همچنین علمای دین عقاید و کارهای اهل جاهلیت که مخالف با شریعت الهی هستند، را بیان نموده‌اند. از بهترین کتاب‌ها در این زمینه، کتاب‌های شیخ الاسلام ابن تیمیه است. یکی از کتاب‌های بسیار مفید و مختصر کتاب **«قاعدة جلیلة فی التوسل و الوسيلة»** است.

۴. قرآن نزد این گروه، کلام حقیقی الله متعال نیست؛ در حالی که به نص قرآن و سنت و اجماع مسلمانان، الله متعال دارای صفت کلام است. هر وقت و به هر کیفیتی که بخواهد آنگونه که شایسته‌ی ذات پاکش است سخن می‌گوید. قرآن کریم کلام الهی است و حروف و معانی قرآن پاک، کلام حقیقی الله متعال است.

پروردگار در قرآن می‌فرماید: **﴿وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ﴾** [توبه/ ۶]

(و اگر کسی از مشرکان از تو پناه خواست، پناهش ده تا کلام الله تعالی را بشنود).

الله تعالی می‌فرماید: **﴿وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا﴾** [نساء/ ۱۶۴]

(و الله تعالی با موسی سخن گفت، سخن گفتنی).

الله متعال فرموده: **﴿وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا﴾**. [انعام/ ۱۱۵]

(و سخن پروردگارت از لحاظ صدق و عدل، تمام و کمال است)

الله متعال می‌فرماید: **﴿وَقَدْ كَانَ قَرِيْبًا مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يَحْرَفُوْنَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوْهُ وَهُمْ يَعْلَمُوْنَ﴾**.

(گروهی از آنان، سخن الله را می‌شنیدند و بعد از درک آن، تحریفش می‌کردند در حالی که خود می‌دانستند) [بقره/ ۷۵]

الله تعالی می‌فرماید: **﴿يُرِيْدُوْنَ أَنْ يُبَدِّلُوْا كَلَامَ اللَّهِ قُلْ لَنْ تَتَّبِعُوْنَا كَذَلِكُمْ قَالَ اللَّهُ مِنْ قَبْلُ﴾**. [فتح/ ۱۵]

(می‌خواهند سخن الله را تغییر دهند بگو: هرگز از ما پیروی نخواهید کرد، الله از پیش چنین گفته است).

آیات در این موضوع بسیار هستند. این عقیده از سلف صالح به تواتر نقل شده، همانگونه که نصوص قرآن و سنت بیانگر آن هستند.

۴. این گروه معتقد به تأویل نصوص قرآن و سنت در مورد صفات الهی هستند؛ در حالی که این عقیده بر خلاف عقیده‌ی اجماعی مسلمانان از زمان صحابه، تابعین و پیروان آنها تا به امروز هست؛ زیرا صحابه، تابعین و... معتقد هستند که ایمان به آیات و احادیث نام‌ها و صفات الله متعال واجب است. بدون تحریف، تعطیل، تکییف و تمثیل. صحابه، تابعین و پیروانشان معتقد هستند که الله تعالی مثل و مانند ندارد و در عین حال سمیع و بصیر است. اهل سنت، صفاتی را که الله تعالی، ذات پاک خود را به آنها موصوف نموده است، معترف هستند و آنها را نفی نمی‌کنند، تحریف نمی‌کنند و تغییر نمی‌دهند. برای صفات الهی کیفیت و مثال بیان نمی‌کنند و صفات الهی را با صفات مخلوق مشابهت نمی‌دهند؛ زیرا ذات احدیت مثل و مانند و شریک ندارد.

امام شافعی رحمه الله می‌گوید: **«آمنت بالله وبما جاء عن الله، علی مراد الله، آمنت برسول الله و بما جاء عن رسول الله، علی مراد رسول الله»**. یعنی: به الله و به آنچه از سوی الله آمده بر اساس مراد الله ایمان آوردم، و به رسول الله و به آنچه از سوی وی رسیده بر اساس مراد و منظور او ایمان آوردم.

امام احمد رحمه الله در مورد آیات صفات می‌گوید: **«نؤمن بها و نصدق و لانرد شيئا و نعلم أن ما جاء به الرسول حق و صدق و لانرد علی رسول الله و لا نصف الله بأكثر مما و صف به نفسه»**. یعنی: به آن ایمان می‌آوریم و تصدیقش می‌کنیم و چیزی از آن را رد نمی‌کنیم و می‌دانیم هرآنچه از سوی پیامبر آمده حق است و راست، و [سخن] رسول الله را رد نمی‌کنیم و الله را به صفاتی بیش از آنکه خودش را وصف نموده، وصف نمی‌کنیم.

۵. از عقاید باطل این گروه: نفی صفت علو الهی بر مخلوقات است؛ در حالی که عقیده‌ی مسلمانان به استناد آیات قطعی قرآن و احادیث پیامبر و پذیرش عقل سلیم و فطرت صحیح این است که الله تعالی از مخلوقات برتر و بالاتر و والاتر است. ذات پاک الله تعالی مستوی علی العرش است و چیزی از امور بندگان از او پنهان نیست.

الله تعالی در هفت جا در قرآن می‌فرماید: **﴿ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ﴾**. [رحمان] بر فراز عرش قرار گرفت).

الله متعال می فرماید: **﴿إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ﴾**. [فاطر/ ۱۰]

(سخنان پاکیزه به سوی او بالا می رود و عمل صالح آن را بالا می برد)

الله تعالی می فرماید: **﴿وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ﴾**. [انعام/ ۱۸ - ۶۱]

(و اوست غالب، بالای بندگان خود).

الله متعال می فرماید: **﴿وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ﴾**. [بقره/ ۲۵۵] (و او بلند مرتبه‌ی بزرگ قدر است).

الله متعال می فرماید: **﴿سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى﴾**. [اعلیٰ / ۱] (به پاکی یاد کن نام پروردگار بزرگوار خود را).

الله تعالی می فرماید: **﴿وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ دَابَّةٍ وَالْمَلَائِكَةُ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ﴾** (۴۹) **﴿يَخَافُونَ رَبَّهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ﴾**. [نحل/ ۴۹ - ۵۰]

(هر چه در آسمان‌ها و در زمین از جنندگان و فرشتگان است، جملگی الله را سجده می کنند و تکبر نمی ورزند (۴۹) می ترسند از پروردگار خود از بالای خویش و هر چه دستور می یابند همان می کنند).

بسیاری از احادیث پیامبر ﷺ بر همین مطلب دلالت دارد. از جمله قصه معراج رسول الله ﷺ که به تواتر ثابت است که رسول الله ﷺ در آسمان‌ها را یکی پس از دیگری بالا رفت تا آن که به پروردگار نزدیک شد و الله تعالی پنجاه نماز را بر او فرض گردانید و پیامبر پیوسته بین موسی علیه السلام و پروردگار رفت و آمد می کرد و موسی علیه السلام از پیامبر می پرسید که الله تعالی چند نماز بر او فرض گردانیده و پیامبر به موسی خبر می داد، و موسی علیه السلام به پیامبر ﷺ می گفت: نزد پروردگار برگرد و از او بخواه تا نمازها را کمتر کند. پیامبر ﷺ بسوی پروردگار بالا می رفت و از او تقاضای تخفیف می کرد.

در صحیح بخاری و مسلم از حدیث ابوهریره - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله ﷺ فرمود: **«لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ الْخَلْقَ كَتَبَ فِي كِتَابٍ، فَهُوَ عِنْدَهُ فَوْقَ الْعَرْشِ: إِنَّ رَحْمَتِي تَغْلِبُ غَضَبِي»** بخاری (۷۴۰۴) مسلم (۱۷۵۱)

(هنگامی که الله تعالی مخلوقات را آفرید، در کتابی که نزد الله تعالی بالای عرش است؛ نوشت: همانا رحمت من بر خشمم، غلبه پیدا می کند).

در بخاری مسلم از حدیث ابو سعید خدری روایت است که پیامبر ﷺ فرمود: **«أَلَا تَأْمَنُونِي وَأَنَا أَمِينٌ مِّنْ فِي السَّمَاءِ؟»** (آیاشما مرا امین نمی دانید در حالی که من امین اهل آسمان هستم؟) بخاری (۴۳۵۱) مسلم (۱۰۶۴).

در صحیح مسلم و دیگر منابع در داستان جاریه آمده است که رسول الله ﷺ بهاو گفت: «أَيْنَ اللَّهُ؟» (الله کجاست؟) او در جواب گفت: الله تعالی در آسمان است، پیامبر ﷺ فرمود: «مَنْ أَنَا؟» (من چه کسی هستم؟) جاریه در پاسخ گفت: تو پیامبر خدا هستی؛ پیامبر فرمود: «أَعْتَقَهَا فَإِنَّهَا مُؤَمَّنَةٌ» (او را آزاد کن زیرا او مومن است).

مسلمانان با این عقیده صحیح روزگار گذرانده‌اند، صحابه، تابعین، تبع تابعین و پیروان آنان تا به امروز بر همین عقیده بوده‌اند؛ علمای مسلمان به سبب اهمیت این موضوع و کثرت دلایل که بیش از هزار دلیل دارد، تألیفات مستقلی در این زمینه ارائه داده‌اند؛ مانند حافظ ابی عبدالله ذهبی در کتابش بنام «الْعُلُوُّ لِلْعَلِيِّ الْغَفَارِ» و حافظ ابن قیم در کتابش «اجتماع الجيوش الإسلامية».

۶. فرقه‌ی احباش در مورد برخی از صحابه رسول الله سخنان ناروایی به زبان می‌آوردند و معاویه - رضی الله عنه - را به صراحت تمام فاسق می‌دانند و در این قضیه با روافض هم عقیده هستند؛ درحالی که مسلمانان مؤلف هستند در مورد مشاجرات صحابه، زبان خود را حفظ کنند و به فضایل صحابه و برتری و بزرگی اصحاب رسول الله معترف و معتقد باشند.

پیامبر ﷺ در حدیثی می‌فرماید: «لَا تَسُبُّوا أَصْحَابِي فَلَوْ أَنَّ أَحَدَكُمْ أَنْفَقَ مِثْلَ أُحُدٍ ذَهَبًا مَا بَلَغَ مُدًّا أَحَدِهِمْ وَلَا نَصِيفَهُ»

(اصحاب مرا دشنام ندهید. زیرا اگر یکی از شما به اندازه‌ی کوه احد، طلا انفاق کند با یک یا نصف مدی که اصحاب من انفاق می‌کنند، برابری نمی‌کند). بخاری (۳۶۷۳) مسلم (۲۵۴۰). مُد از پیمان‌های قدیمی است و برخی مقدار آن را تقریباً 675 گرم دانسته‌اند.

الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾ [حشر/ ۱۰]

(و کسانی که پس از آنان آمدند می‌گویند: پروردگارا! ما و آن برادران ما را که در ایمان بر ما پیشی گرفته‌اند، بیامرز؛ و در دل‌هایمان نسبت به کسانی که ایمان آورده‌اند کینه‌ای مگذار. پروردگارا! به راستی تو رؤوف و مهربانی).

اهل سنت در طول تاریخ، عقیده‌ی‌شان نسبت به صحابه همین بوده است. امام ابو جعفر طحاوی در بیان عقیده‌ی اهل سنت و جماعت می‌گوید: اصحاب رسول الله ﷺ را دوستداریم بدون آنکه در حق کسی از آنان غلو و افراط کنیم، از هیچ فردی از صحابه اعلام براءت و بیزاری نمی‌کنیم، با دشمنان صحابه بغض می‌ورزیم. با کسانی که در مورد صحابه سخنان ناشایست بر زبان جاری می‌کنند، مخالفت و دشمنی می‌ورزیم، در مورد یاران رسول الله ﷺ سخنی جز خیر و خوبی بر زبان جاری نمی‌کنیم.

محبت صحابه و یاران جان‌نثارش از دین، ایمان و احسان است و کینه‌ی صحابه، کفر، طغیان و نفاق است.

چهارم: گروه احباش در مورد فتوایی که صادر می‌کند، راه تکروی و مخالفت با جمع مسلمانان و مخالفت با نصوص قرآن و سنت را در پیش گرفته است.

بعنوان مثال: قمار با کفار را جایز می دانند تا از این طریق بتوان اموالشان را تصاحب نمود؛ سرقت حیوانات و محصولات کشاورزی کفار را جایز می دانند؛ مشروط به این که منجر به فتنه و درگیری نشود. ربا با کفار را جایز می دانند؛ معتقدند افراد نیازمند می توانند در بخت آزمایی های حرام شرکت کنند!!

نگاه شهوانی به زنان بیگانه را از طریق تلویزیون و یا نگاه در آئینه جایز می دانند!! استمرار نگاه به زنان بیگانه را جایز می دانند.

نگاه مرد به بدن زن نامحرم را جایز می دانند!! خروج زنان در اماکن عمومی همراه با آرایش و استفاده از عطر را جایز می دانند به شرطی که زن قصد جلب توجه مردان را نداشته باشد!! اختلاط بین مردان و زنان را جایز می دانند. و فتاویی از این قبیل که گناهان کبیره را جایز دانسته و دستورات شریعت را نقض می کنند. نسأل الله العافیة من أسباب سخطه و عقوبته.

پنجم: این گروه با وقاحت تمام به سب و شتم علمای ربانی و زبان درازی نسبت به آنان می پردازند تا مردم را از توجه به کتابها و اقوال علمای واقعی متنفر سازند؛ بلکه علمای امت و در رأس آنان شیخ الاسلام ابوالعباس احمد بن عبدالحلیم بن عبدالسلام بن تیمیة را تکفیر می کنند. تا جایی که آقای عبدالله الحبشی رئیس فرقه احباش کتابی را در رد ابن تیمیة تألیف نموده است و این امام بزرگوار را گمراه دانسته است، و اقوالی را به او نسبت داده است که او هرگز آنها را نگفته و به دروغ آن را به او نسبت داده است؛ الله تعالی خودش او را کفایت می کند؛ بدون تردید طرفین دعوا نزد او جهت فیصله و حسابرسی حاضر خواهند شد.

به شخصیت امام مجدد شیخ بن محمد بن عبدالوهاب و دعوت اصلاحی ایشان در قلب جزیره العرب، بسیار حمله می کنند. شخصیتی که با شرک با تمام ابعاد آن مبارزه نمود و برای ارج نهادن به مقام قرآن و سنت رنجها کشید و جهت زدودن بدعات و احیای سنت های زیبای رسول الله ﷺ شبانه روز تلاش نمود.

پروردگار آثار دعوت اصلاحی شیخ محمد بن عبدالوهاب را در تمام نقاط جهان اسلامی انتشار داد و افراد زیادی را توسط ایشان هدایت نمود. اما این گروه نادان تیره های خود را بسوی این منهج صحیح نشانه گرفته اند و شبانه روز تلاش می کنند تا چهره اصلی این حرکت اصلاحی و رهبران آن را تخریب کنند و در صد شبهه افکنی هستند و با تمام توان با عقاید این منهج که بر گرفته از آیات و احادیث صریح است مخالفت می ورزند و مردم را متنفر می سازند و می خواهند سدّ راه آن باشند.

مخالفت و لجاجت این گروه با این دسته از علمای امت دلیل واضح و روشنی است بر حقد و کینه ی قلبی ایشان با تمام دعوتگران بسوی توحید و کسانی که مردم را ارشاد و راهنمایی می کنند تا به عصر صحابه برگردند و اعتقاد و عمل آن بزرگواران و کسانی را که در قرون پر خیز و برکت صحابه و تابعین و تبع تابعین می زیسته اند، برگزینند. این گروه از اهل اسلام و حقیقت آن فاصله ی بسیار دارند.

ششم: بنا بر مطالبی که بیان شد و مواردی که از ذکر آن خود داری شد، کمیسیون دائم پژوهش های علمی و فتوا بیانیه ی ذیل را صادر نموده و اعلام می دارد:

۱. جماعت احباش فرقه ای گمراه و خارج از اسلام و جماعت مسلمین (اهل سنت و جماعت) است.

ما ایشان را دعوت می‌دهیم که به حق و عقیده و عمل صحابه و پیروان راستین آنان در تمام زمینه‌ها برگردند، این کار برای آنان بهتر و سودمندتر است.

۲. اعتماد بر فتوای این گروه جایز نیست؛ زیرا گفته‌هایشان مخالف با آیات و احادیث صریح است. این گروه نصوص شریعت را تأویل و تحریف می‌کنند، و در مجموع اعمال و اقوال ایشان سبب می‌شود که نتوان به گفته‌هایشان اعتماد نمود.

۳. آنچه را که به عنوان حدیث بیان می‌کنند نمی‌توان بر آن اعتماد نمود، نه از جهت سند حدیث و نه از جهت معانی و مفاهیم.

۴. مسلمانان در هر جا که هستند باید هوشیار باشند که گرفتار گمراهی‌های آنها نشوند و با هر اسم و شعاری که وارد میدان شوند آنان را شناسایی کنند و فریب‌خوردگان را توجیه و ارشاد نمایند و افکار و عقاید فاسد آنان را بر ملا سازند.

کمیسیون دائم پژوهش‌های علمی ضمن صدور این اعلامیه، از پروردگار مسالت دارد که با اسماء حسنی و صفات علیای خویش، مسلمانان را از تمام فتنه‌ها در امان نگه دارد و گمراهان را هدایت نصیب فرماید؛ و حال و روز آنان را سامان بخشد. مکر مکاران را به خودشان برگرداند و مسلمانان را از شر آنان در امان نگه دارد، او تعالی بر هر چیز قادر است.

صلی الله وسلم علی نبینا محمد و آله و اصحابه و من تبعهم بإحسان.